

جایگاه و ابعاد مشورت در سیره عملی امام خمینی(ره)

زاهد غفاری هاشجین^۱
قدسی علیزاده^۲

چکیده

مقاله حاضر به بررسی جایگاه و ابعاد مشورت در سیره عملی امام خمینی(ره) می پردازد. مشورت در دین اسلام و سیره ائمه معصومین(ع) و همچنین اندیشه و سیره امام خمینی(ره) از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است. این مقاله بر اساس روش تحلیل اسنادی انجام شده و به منابع مرتبط با موضوع مراجعه شده است. یافته ها نشان می دهد که مشورت علاوه بر اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، جایگاه خاصی در سیره عملی ایشان نیز دارد. در پاسخ به سوالات مقاله سعی شده است شواهدی از مشورت در سیره عملی امام خمینی(ره) در دوران مختلف رهبری ایشان در امور سیاسی، نظامی، اجتماعی و... ذکر شود. در این باره، به مواردی از قبیل مشورت در عزل و نصب مسئولان، امور داخلی و خارجی مملکتی، انتخاب فرماندهان و عملیات نظامی و سایر امور اشاره شده است.

واژگان کلیدی: امام خمینی (ره)، مشورت، مشاوران، سیره عملی، تصمیم گیری

Email: Z_ghafari@yahoo.com

Email: gh.alizadeh88.yahoo.com

تاریخ تصویب نهایی : ۹۰/۱۲/۲۰

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد

۲. کارشناس ارشد جامعه شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

تاریخ دریافت : ۹۰/۱۰/۱۱

مقدمه

در جامعه شناسی انقلاب، رهبری از ارکان اصلی انقلاب‌ها به شمار می‌رود. بسیاری از جامعه شناسان صاحب نظر به نقش قاطع رهبری در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران اذعان داشته و این نقش را مؤثر و سرنوشت‌سازتر از سایر انقلاب‌های سیاسی - اجتماعی دو قرن اخیر دانسته‌اند، به طوری که برخی شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی را بدون رهبری امام خمینی(ره)، امری نزدیک به محال فرض کرده‌اند(رجبی، ۱۳۷۸: ۵). اندیشه و سیره سیاسی امام خمینی(ره) از ابعاد و جوانب مختلف قابل مطالعه است که در اینجا فقط به نقش مشورت در سیره عملی ایشان اشاره می‌شود.

مشورت به معنای هم‌فکری در کارها و استفاده از رأی، عقل، علم و سلیقه دیگران و کسب اطلاع از رأی اهل خبره و اصحاب رأی در مسأله‌ای برای اختیار اصلح است (سامانی، ۱۳۸۷: ۱۷). مشورت در نزد ایرانیان، یونان و روم باستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده، همچنین بر خلاف سایر رسوم رایج جاهلی، مشورت از اخلاق و عادات متداول اعراب در دوران جاهلیت بوده است. انبیا از نخستین کسانی بودند که هم‌طرف مشورت مردم قرار گرفته و هم در انجام امور مهم با دیگران به تبادل نظر می‌پرداختند. از اهداف انبیای الهی و پیشوایان دینی هدایت انسان‌ها به پیروی از احکام و آیات خداوند است؛ لذا احادیث و روایات بسیاری از ایشان در این رابطه نقل شده است. در دین اسلام، به مشورت اهمیت خاصی داده شده و از آموزه‌های مهم آن به شمار می‌آید که در عرصه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. ضرورت مشورت از آن روست که برای رشد و کمال انسانی، چاره‌ای جز بهره‌گیری از اندوخته‌های دیگران وجود ندارد. توجه به این امر، به ویژه برای کسانی که مسؤولیت هدایت و رهبری جامعه را بر عهده دارند، بیش از دیگران ضرورت دارد.

علاوه بر توجه به مشورت در امور فردی، در حیطه حکومت نیز این امر مورد تأکید قرار گرفته است. علامه طباطبایی به جایگاه مشورت در تصمیم‌گیری‌های کلان حکومت با اشاره به آیه «و شاورهم فی الامر فإذا عزمتم فتوکل علی الله»، معتقد است احکامی که از مقام ولایت صادر می‌شود، از راه شورا و با رعایت صلاح اسلام و مسلمین صادر خواهد شد(قاضی زاده، ۱۳۸۴: ۷۷).

مرحله تصمیم‌گیری یکی از مراحل مهم در فرآیند رهبری و مدیریت سیاسی جوامع است، به ویژه در مدیریت بحران‌های سیاسی، در واقع جوهره رهبری و مدیریت سیاسی در تصمیم‌گیری خلاصه می‌شود. با توجه به این که رویه‌های تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی نسبت به شرایط عادی بسیار متفاوت بوده و از این رو توجه به این مؤلفه در سیره عملی امام خمینی(ره) به عنوان یک رهبر سیاسی و دینی مهم، قابل اهمیت است. آشنایی با سیره عملی و الگوی رهبری و تصمیم‌سازی ایشان می‌تواند فواید زیادی برای رهبران دنیا و مسؤولان مملکتی داشته باشد. براین اساس، مقاله حاضر با هدف شناخت جایگاه و ابعاد مشورت در سیره عملی امام خمینی(ره) در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که «مشورت در سیره عملی امام خمینی(ره) از چه جایگاهی برخوردار است؟» پاسخگویی به این سؤال منوط به ارائه پاسخ دقیق به سؤالات فرعی زیر است که ۱- مبانی نظری مشورت در اسلام و اندیشه امام خمینی(ره) چیست؟ و ۲- امر مشورت در سیره عملی امام خمینی(ره) در امور سیاسی، نظامی و... چگونه تحقق یافته است؟

در مقاله حاضر، از روش تحلیل اسنادی استفاده شده است. اسناد مورد استفاده شامل آثار مکتوب، امام خمینی(ره) اعم از کتاب‌ها، مقالات و خاطرات مربوط به موضوع تحقیق است. در این تحقیق، کلیه منابع و مراجع قابل دسترس مرتبط با موضوع، فیش برداری و در راستای هدف پژوهش مورد بررسی و تحلیل اسنادی قرار گرفته است. برای گردآوری داده‌ها، از فرم‌های فیش برداری استفاده شده و داده‌های به دست آمده بعد از جمع‌آوری و طبقه‌بندی مورد تحلیل قرار گرفته است.

۱- مبانی نظری

۱-۱- مبانی نظری مشورت در اسلام

۱-۱-۱- قرآن کریم

معنای لغوی مشورت، استخراج عسل از کندو و عرضه کردن یا نشان دادن چیز نفیسی است که پوشیده و پنهان باشد (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۷: ۲۳۳)؛ «عسل را شور کردم، هنگامی که آن را از جایگاهش گرفته و از آن خارج می‌کنی» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۲۷۰؛ طریحی ۱۴۰۸ ج ۲: ۵۵۹). پس شور به معنای استخراج و استنباطی است که همراه با نوعی پالایش و کوشش باشد.

به همین جهت، عرب استخراج عسل از موم را که با پالایش و زحمت همراه است، شور می‌گوید. همچنین، وقتی نظرات مختلف در رابطه با یک موضوع به عنوان ماده‌اولیه جمع گشته، در اطراف آن تبادل نظر گردد (پالایش) و نتیجه‌ای از آن حاصل شود، شور می‌نامند (عظیمی زاده، ۱۳۸۲: ۲۲).

دین اسلام به نظرخواهی از دیگران و مشورت اهتمام خاصی دارد. وجود آیاتی در باب مشورت و سوره ای به نام شوری در قرآن دال بر اهمیت این امر است. آیاتی که در این زمینه بیان شده اند، عبارتند از: آیه ۱۵۹ آل عمران که می‌فرماید: «ای پیامبر از رحمت خداست که تو با مسلمانان نرم خو بوده و هستی. اگر خشن و سخت دل بودی از دور تو پراکنده می‌شدند. خطاکاران آنان را عفو کن و برایشان آمرزش بخواه و در کارها با آنها مشورت کن». از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که مشورت در اسلام مهم بوده و حتی رهبران امت هم باید برای اداره امور کشور با امت بر اساس شرایطی مشورت کنند (استادی، ۱۳۸۳: ۱۳۷-۱۳۶).

همچنین، در آیه ۳۸ سوره شوری نیز می‌فرماید: «پاداش‌های الهی بهتر و جاویدان‌تر است، برای آنان که پذیرای دعوت پروردگار شدند و نماز را بر پا داشتند و کارشان بنا بر مشورت میان ایشان است و از آن چه روزی آنها کردیم انفاق می‌کنند». این آیه دال بر اهمیت رایزنی و مشورت در کارها دانسته شده است (طبرسی، ۱۴۱۵ق. ج ۹: ۲۳).

در آیه ۲۳۳ بقره نیز آمده است: «پس اگر زن و شوهر به رضایت خاطر و صوابدید هم شیر گرفتن طفل اختیار کنند، هر دو را رواست». بدین ترتیب، بر اساس تفسیر و توضیح این آیه ملاحظه می‌شود که اسلام حتی در مسائل ریز خانواده که فقط دو نفر در تصمیم‌گیری آن شرکت دارند، اساس کار را بر شور و مشورت قرار داده است (عظیمی زاده، ۱۳۸۲: ۲۶). مهم‌تر آن که خداوند به پدر یا مادر با همه علاقه‌ای که به فرزندشان دارند، اجازه نداده در امر تربیت و پرورش فرزندان استبداد رأی به خرج دهند و در این باره آمده است: «باید با هم و یا با دیگران مشورت کنند». با توجه به چنین نکته‌ای، مسلماً مشورت در اداره امور یک کشور و یک امت برای حاکمان مورد تأکید است (استادی، ۱۳۸۳: ۱۶۵-۱۶۳).

۱-۲- سیره معصومین علیهم السلام

در گفتار و سخنان پیشوایان دینی، ضرورت و اهمیت مشورت را می‌توان استنباط نمود. در این باره حضرت رسول (ص) فرموده است: «هرگاه انسان عاقل خیرخواه به تو مشورت داد، بپذیر و از

مخالفت با آرای چنین افرادی بپرهیز که بی‌گمان نتیجه آن هلاکت است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق. ج ۷۵: ۹۹-۱۰۲). ایشان با وجود اتصال به وحی، در غزوات خود به مشورت با یاران می پرداختند. چنان که در غزوه احد نتیجه مشورت با یاران به زیان مسلمانان انجامید. اما در شورای نظامی که در آستانه غزوه خندق برگزار گردید، نظر سلمان فارسی مورد پذیرش قرار گرفته و پیروزی مسلمانان را در پی داشت (سبحانی، بی تا. ج ۲: ۳۴ و ۱۲۶).

درباره مشورت امام علی(ع) در حکمت ۲۱۱ نهج البلاغه می‌فرماید: «آن که خود را از مشورت بی‌نیاز می‌داند، به خطر می‌افتد». همچنین، در روایتی از امام صادق(ع) آمده است: «در کارهای بنا بر مقتضیات دینی با شخصی مشورت کن که پنج خصلت را داراست: عقل، علم، تجربه، خیرخواهی و تقوا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق. ج ۷۲: ۱۰۳). با بررسی سیره عملی ائمه(ع) و پیشوایان دینی موارد بسیاری از مشورت با یاران و نزدیکانشان را می‌توان مشاهده نمود، چنان که علی(ع) حتی پیش از خلافت و در زمان پیامبر(ص) مشورت می‌کردند و طرف مشورت پیامبر(ص) نیز بودند. ایشان همچنین در نبردهای جمل و صفین با اصحابشان مشورت و رایزنی کردند. امام حسن(ع) در پیشنهاد معاویه برای صلح با برادر بزرگوارشان امام حسین(ع) و پسر عمویشان عبدالله بن جعفر مشورت کردند. امام حسین(ع) نیز در مسیر مکه به عراق پس از اطلاع از شهادت مسلم بن عقیل و بیعت شکنی مردم کوفه با یارانشان درباره ادامه مسیر مشورت کردند و تصمیم به ادامه راه گرفتند (مفید، بی تا. ج ۴: ۱۱ و ۷۷). بر کسی پوشیده نیست که گفتار و کردار امام خمینی(ره) ترجمان قرآن و سنت معصومین(ع) در این گونه امور است (ایزدپناه، ۱۳۷۵: ۲۱۹).

۲-۱- مشورت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

منظور از اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، مجموعه افکار، آرا و عقایدی است که از سوی ایشان ارائه شده (حجت زاده، ۱۳۸۳: ۵۶) و در آثار و تألیفات ایشان در حوزه‌های نظری و عملی، به ویژه در مجموعه صحیفه نور گردآوری، استنباط و استخراج شده است. در دیدگاه امام(ره)، شورا از ساز و کارهای بیرونی مهار قدرت (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۵۶) به شمار می‌آید. امام(ره) شورا را مهم‌ترین ساز و کار جلوگیری از اشتباه ولی فقیه در تصمیم‌گیری می‌داند و از همین رو، به رهبران پس از خود توصیه می‌کند: «در امور مهم با کارشناسان مشورت کنید» (صحیفه نور،

ج ۱۸: ۴۳). سخنان امام(ره) مملو از بیاناتی است که تنها در حیطهٔ مباحث مرتبط با مشارکت، معنا یافته و به شاخص‌ها و لوازمی برای مشورت اشاره دارند(مبلغی، ۱۳۷۸: ۴۱۲). با توجه به تأکید امام خمینی(ره) به مشورت در تصمیم‌گیری‌ها، مؤلفه‌های اساسی مشورت در اندیشهٔ سیاسی ایشان را می‌توان به شرح زیر بیان کرد.

۱-۲-۱- خاستگاه فقهی مشورت

یکی از قواعد فقهی سیاسی نزد امام خمینی(ره) قاعدهٔ مشورت است(عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۱۲). امام(ره) فقهی آشنا و کارآزموده با امر سیاست بود. در واقع، در دیدگاه امام، قاعدهٔ شورا در عرصهٔ عمل و حکمرانی به شکلی نمود داشت که می‌فرمود: «تخلف از حکم ملت بر هیچ یک از ما جایز نیست و امکان ندارد»(صحیفهٔ نور، ج ۱۴: ۱۶۵). علی‌رغم عادت علما که تردیدهای فقهی با احتیاط برخورد می‌کنند، آن چه که از این بیان پیداست، این که امام خمینی(ره) حکم را با احتیاط در نیامیخته است(مبلغی، ۱۳۷۸: ۴۲۵-۴۲۴). مشورت در امور اجتماعی و سیاسی از نظر امام خمینی(ره) امری لازم است که باعث جلوگیری از آسیب‌های احتمالی می‌گردد(ذاکری، ۱۳۸۷: ۷۹). از دید ایشان، عدم مشارکت در امور سیاسی جامعه، گاه از گناهان بزرگ نابخشودنی و کبیره قلمداد می‌شود (صحیفهٔ امام(ره)، ج ۲۱: ۴۲۰ و ۴۲۲). اهمیت مشارکت در نگاه امام(ره) به حدی است که حیات و بقای اسلام و جامعهٔ اسلامی را منوط به آن می‌داند(جمشیدی، ۱۳۸۴: ۶۶۹). خاستگاه فقهی مشورت در اندیشهٔ امام(ره) در چند سطح قابل پیگیری است:

یک. از منظر قاعده رجوع جاهل به عالم: این قاعده مؤید این معناست که در اموری که نسبت به آن علم و آگاهی وجود ندارد، به اشخاص خبره و کارشناس رجوع شود. امور عمومی جامعه از جمله مسائلی است که نیازمند رجوع به کارشناسان و مشورت با آنان می‌باشد. تأکید امام خمینی(ره) بر ارجاع امور به متخصصان و نظر خواهی از کارشناسان، از عمل به این قاعده در تصمیم‌گیری‌ها حکایت دارد(طباطبایی، بی تا: ۱۹۴). به اعتقاد امام، «علم به همهٔ ابعاد امور جامعه، از عهدهٔ یک نفر خارج است» و لذا بر عهدهٔ حاکم و کارگزاران است تا در امور مملکتی مشورت کند(صحیفهٔ نور، ج ۱۰: ۳۱۱-۳۱۰).

دو. از باب مقتضیات زمان و مکان: یکی از مشخصه‌های بارز تفکر امام(ره)، تأکید بر لزوم توجه به شرایط زمان و مکان یا موقعیت‌شناسی[زمانه‌شناسی] است(حسنی، ۱۳۷۵: ۱۸۸). «موقع‌شناسی[زمانه‌شناسی] یکی از اموری است که در رشد هر جامعه، دخالت زیاد دارد»

(صحیفه نور، ج ۹: ۴۹۸-۴۹۷). امام (ره) در سایه شناخت موقعیت، وضعیت و شرایط، به اظهار نظر و تصمیم‌گیری می‌پرداخت (قربانزاده، ۱۳۸۱: ۱۵۸-۱۵۵). «حوزه‌ها و روحانیت باید... همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس‌العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام از هم اکنون باید برای این موضوع فکری کنند» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۲۹۲).

سه. از باب توجه به مصلحت جامعه: تعریف امام خمینی(ره) از مصلحت عمومی، عبارت است از رعایت حقوق، ارزش‌ها و غایات جامعه انسانی در موقعیت‌های مختلف که متضمن هر تدبیر، تصمیم و اقدامی در این زمینه است (میراحمدی، ۱۳۷۸: ۷۷-۷۶). از جمله معیارها و ترازها در تشخیص مصلحت‌ها، نگهداشت زوایای کارشناسی و تخصصی مصلحت‌ها در هر زمینه‌ای است (کتاب‌های مجله حوزه، ۱۳۷۸: ۲۰۹). امام(ره) به بیان اهمیت مصلحت نظام اکتفا نکرد، بلکه با ایجاد مجمع تشخیص مصلحت نظام آن را نهادینه کرد و تحقق عینی بخشید (آشوری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۴۲). در دیدگاه شیعه، حد احکام حکومتی، شریعت بوده و مصلحت نیز در همین محدوده تفسیر می‌گردد (فخار طوسی، ۱۳۷۸: ۲۸۳). کارشناسان مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از مشورت به تشخیص موضوع مصلحت می‌پردازند و آن گاه شخص ولی فقیه و حاکم اسلامی با استفاده از منابع تشریح حکم و قانون، آن را استنباط و صادر می‌کند (خسرو پناه، ۱۳۷۸: ۲۵۰). علاوه بر آن، این مجمع به صورت بازوی مشورتی رهبری در رفع تنگناها است (آشوری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۶۰). ضمن آنکه مطابق نص الهی مسلمانان موظف به مشورت در امور برای پیدا کردن بهترین گزینه‌ها در حوزه اجرایی شده‌اند و جامعه اسلامی، جامعه‌ای است که امور آن بر مدار مشورت باشد (افتخاری، ۱۳۸۴: ۲۸۲).

۱-۲-۲- پیامدهای مشورت

یک. عقلانیت در تصمیم‌گیری: تأکید امام(ره) بر نقش متخصصان و پافشاری بر نظر آنان، نشانگر حساب ویژه‌ای است که برای عنصر عقلانیت در تصمیم‌قائل بودند.

اعتماد فوق‌العاده امام(ره) بر تخصص، در موارد بسیاری او را از تعقیب یا طرح دیدگاه خود منصرف می‌کرد (مبلغی، ۱۳۷۸: ۴۱۹). از این روست که امام می‌فرماید: «متخصصین تصمیم خود را خواهند گرفت» (صحیفه نور، ج ۴: ۱۳۶). و «در امور مهمه با کارشناسان مشورت کنید»

(صحیفه نور، ج ۱۸: ۴۱). ایشان در کتاب ولایت فقیه، لزوم تشکیل حکومت را با مشورت و تبادل نظر مورد توجه قرار داده‌اند. همچنین، سپردن کارهای حکومت اسلامی به دست کارشناسان امین و خردمندان معتقد را موجب قطع دست خائنان از حکومت می‌دانند (خمینی، ۱۳۷۵: ۱۲۵).

دو. آزاداندیشی: از نظر امام خمینی (ره)، آزادی اندیشه، بیان عقیده و تعیین سرنوشت اولویت دارد (صحیفه نور، ج ۵: ۲۴۳). امام خمینی (ره) نه تنها انتقاد را می‌پذیرند، بلکه همگان را به آن دعوت کرده، آن را هدیه‌ای الهی می‌دانند (صالحی، ۱۳۷۸: ۴۲۲). «انتقاد سالم و سازنده بدون اغراض شخصیه و خدای نخواستہ انتقام جویی لازم است و مفید، و موجب رشد و تعالی است» (صحیفه نور، ج ۱۹: ۱۵۳). امام (ره) از تفاهم و نشست‌های دوستانه و گفت و گوهای راهگشا و صادقانه، به عنوان ضرورت انکار ناپذیر یاد می‌کنند. مشاوره و مناظره سیاسی میان جریان‌ها، پیوسته مورد نظر و اهتمام ایشان بوده و بدان فرا می‌خواندند (هدایتی، ۱۳۸۱: ۶۱-۶۰). به زعم امام (ره)، «آن چیزی که لازم است برای همه ... اگر مسأله‌ای را بر خلاف [سلیقه و رویه خویش] می‌بینند، بنشینند و حل کنند و صحبت کنند. در مجلس اگر ... یک مطلبی را می‌بینند که دارد خلاف واقع می‌شود، صحبت کنند. بنشینند [و] مشورت کنند» و در نهایت آن را حل و بر طرف نمایند (صحیفه نور، ج ۱۳: ۱۰۵). شور و مشورت یک اصل محوری در اسلام و در گفتمان امام خمینی (ره) است که اختلاف نظر را به اتحاد و تفاهم پیوند می‌زند (مروی، ۱۳۸۶: ۸۱-۸۰).

سه. مشارکت سیاسی: امام (ره) جایگاه مردم در حکومت را بسیار بالاتر از مشورت گیری و مشورت دهی می‌داند و اشاره می‌فرماید که «این همان جمهوری اسلامی است که تمام امور آن در همه مراحل، حتی رهبری آن، بر اساس آرای مردم بنا شده است» (صحیفه نور، ج ۴: ۲۴۸ و ۴۷۹). اصولاً در اندیشه امام (ره)، حکومت اسلامی باید متکی به آرای مردم باشد (صحیفه نور، ج ۵: ۳۹۱). براساس اندیشه حکومتی امام خمینی (ره)، مردم نقشی بسیار گسترده در تعیین ارکان حکومت دارند (فضل الله، ۱۳۷۸: ۴۸۸-۴۸۷).

امام خمینی (ره) در زمینه پرهیز از خود مطلق بینی در توصیه‌های همگانی در نامه‌ای موسوم به تحکیم برادری فرموده است: «هیچ کس نباید خود را مطلق و مبرای از انتقاد ببیند» (صحیفه

نور، ج ۲۱: ۱۷۹). ایشان تحمیل رأی بر دیگران را تنها در صورت در خطر بودن حیثیت نظام و برای حفظ آن، جایز می‌داند (صحیفه نور، ج ۲۱: ۱۴۲). در انجام تغییرات فرادستوری در قانون اساسی، امام خمینی(ره) نه تنها به روند مشورت دهی، مشورت پذیری و برنامه سازی و تصمیم‌گیری پای بند بودند بلکه نظر اکثریت را مورد توجه قرار داده (خلیلی، ۱۳۷۸: ۱۳۴) و می‌فرمایند: «ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طوری رأی داد، ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم» (صحیفه نور، ج ۱۱: ۳۴). در ادامه، با توجه به مطالب مذکور جایگاه و شواهد مشورت در سیره عملی امام خمینی(ره) بیان می‌شود.

۲- مشورت در سیره عملی امام خمینی(ره)

۲-۱- سیره مشورتی امام خمینی(ره) در امور سیاسی

در پاسخ به سؤال دوم مبنی بر این که «شواهدی از مشورت امام خمینی(ره) در سیره عملی ایشان کدام است؟» به برخی از این شواهد به اختصار اشاره می‌شود. ابتدا، دوران رهبری امام خمینی (ره) به چهار دوره متفاوت تقسیم بندی شده و شواهدی از مشورت های سیاسی امام خمینی (ره) در این دوران ذکر می‌گردد:

۲-۱-۱- مشورت امام خمینی(ره) در دوره اول رهبری (تا سال ۱۳۴۲)

این دوره از رهبری سیاسی - مذهبی امام خمینی(ره)، با اعلامیه مخالفت با قانون‌های انجمن‌های ایالتی و ولایتی آغاز شد و با سخنرانی معروف ایشان در روز عاشورا و دستگیری و قیام ۱۵ خرداد ادامه یافته و با تبعید ایشان به دنبال مخالفت با کاپیتولاسیون به پایان رسید (خادم شیرازی، ۱۳۷۱: ۶۵). در این دوره، به دنبال درگذشت آیت الله حائری که خطر انحلال، حوزه قم را تهدید می‌کرد، امام خمینی(ره) همواره با علمای قم در تماس و ارتباط بودند و چه بسا علما و مراجع قم برای بررسی اوضاع اسف بار ایران در منزل ایشان تشکیل جلسه داده به مشاوره و تبادل نظر می‌پرداختند و ایشان نیز با نبوغ سرشار و دوراندیشی منحصر به فرد خود همانند یک سیاستمداری ورزیده و ماهر اظهار نظر کرده و به پیش بینی امور می‌پرداختند (روحانی، ۱۳۵۸، ج ۱: ۹۸-۹۷). در ادامه، به مصادیقی از امر مشورت در سیره امام خمینی(ره) در این دوره اشاره می‌شود:

یک. مشورت در مبارزه با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی: پس از طرح لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، امام خمینی(ره) که توطئه دشمن را احساس کرده بود و آن را مقدمه برنامه‌های ضد اسلامی رژیم شاه می‌دانست، بلافاصله علمای طراز اول قم را دعوت به مشورت و تصمیم‌گیری نمود. امام خمینی(ره) در این جلسه، اهداف دولت را از این کار برشمرد و در پایان، تصمیماتی گرفته شد(رجبی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۲۹). یکی از تصمیمات این جلسه آن بود که هفته‌ای یک بار - در صورت لزوم بیشتر - جلسه مشورت میان علمای حوزه برگزار شود تا تصمیمات و مبارزه، با وحدت نظر و عمل توأم گردد (روحانی، ۱۳۵۸، ج ۱: ۱۵۰؛ رجبی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۲۹).

دو. مشورت در مبارزه علیه انقلاب سفید: امام خمینی(ره) در سال ۱۳۴۲، برای تداوم مبارزه و آگاه‌تر ساختن مردم نسبت به اهداف رژیم شاه و اتخاذ موضع یکپارچه روحانیت در مقابل آن، جلسه‌ای با مراجع و علمای قم تشکیل دادند. با نزدیک شدن عید نوروز، فرصت دیگری برای ایشان پیش آمد که تا به روشنگری و افشاگری پرداخته و عواطف مردم مسلمان را علیه رژیم شاه تحریک نمایند و در نهایت موفق شوند ضربه مؤثری بر «انقلاب سفید» و توطئه خائنه شاه - آمریکا علیه اسلام و ایران وارد آورند. از این رو، در نشستی که با مقامات روحانی قم داشتند، پیشنهاد فرمودند که به مناسبت اعمال ضد اسلامی و اقدامات سرکوبگرانه رژیم، عید نوروز سال ۱۳۴۲ از طرف همه علمای، عزای عمومی اعلام شود(روحانی، ۱۳۵۸، ج ۱: ۳۱۴؛ رجبی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۴۵).

سه. سخنرانی روز عاشورا: از منظر امام خمینی(ره)، روز عاشورا به منظور اوج بخشیدن به نهضت مبارزاتی مردم و به وجود آوردن هر چه بیشتر شور حسینی، روز مناسبی بود. از این رو، ایشان با علمای قم در این زمینه به شور و مذاکره نشسته و پیشنهاد کردند در روز عاشورا علما به مدرسه فیضیه رفته و برای مردم که از اطراف و اکناف به قم آمده‌اند، سخنرانی نموده و حقایق را به گوش آنان برسانند. این پیشنهاد مورد موافقت علمای قم قرار گرفته و تصویب شد (روحانی، ۱۳۵۸، ج ۱: ۴۴۸؛ رجبی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۶۵). برگزاری جلسات مشورتی از جانب امام(ره)، به معنای قبول تمامی نظرات و پیشنهادات نبود، چنان که آیت الله شریعتمداری سعی کرد امام خمینی(ره) را از رفتن به مدرسه فیضیه و انتقاد از شاه منصرف سازد، اما با بی‌اعتنایی ایشان مواجه شد(رجبی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۶۷).

۲-۱-۲- مشورت امام خمینی(ره) در دوره دوم رهبری (۵۶-۱۳۴۲)

دوره دوم رهبری حضرت امام خمینی(ره)، یک دوره فترت ۱۵ ساله و به ترتیب شامل سال‌های اقامت در ترکیه و نجف بود(خادم شیرازی، ۱۳۷۲: ۶۵). امام خمینی(ره) این دوره به دلیل تبعید و دوری از وطن، از طریق صدور اعلامیه و بیانیه، ارسال پیام صوتی برای مردم ایران به روشنگری علیه رژیم شاه و مخالفت با آن می‌پرداختند و در این دوره نیز در موارد مختلف از مشاوره دیگران استفاده می‌کردند که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود.

یک. تنظیم اعلامیه‌ها: زمینه‌های خبری و اطلاعاتی بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها با نظر خاص امام خمینی(ره)، توأم با احتیاط و وسواس، تهیه می‌شد و متن آنها مبتنی بر استنتاج‌های فقهی و سیاسی خود امام خمینی(ره) بوده است (ستوده، ۱۳۸۶. ج ۵: ۳۲). اگر قرار بود امام خمینی(ره) بیانیه‌ای صادر کنند، حاج سید احمد آقا مجموعه اخبار و نظرات را جمع‌آوری و به ایشان ارائه می‌داد. به عنوان مثال، بیانیه اعتراض امام خمینی(ره) به قانون اساسی که در نجف منتشر شد، یکی از همین موارد است (طباطبایی، ۱۳۸۸. ج ۱: ۳۶۳).

دو. مهاجرت از نجف به پاریس: یکی از تصمیمات سرنوشت‌ساز امام خمینی(ره) هجرت از نجف به پاریس بود. امام خمینی(ره)، در وصیت‌نامه سیاسی-الهی خود، در این باره می‌فرماید: «از قرار مذکور، بعضی‌ها ادعا کرده‌اند که رفتن من به پاریس به وسیله آنان بوده، این دروغ است. من پس از برگرداندنم از کویت، با مشورت احمد پاریس را انتخاب نمودم» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۴۵۲). مرحوم سید احمد خمینی(ره) می‌گوید: «بعد از برخورد کویت با امام خمینی(ره)، کشورهای همسایه بررسی شد. فرانسه را پیشنهاد کردم؛ زیرا در آن جا امام خمینی(ره) بدون محدودیت می‌توانستند مطالبشان را به دنیا برسانند. ایشان نیز این پیشنهاد را پذیرفتند» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۵: ۷۵-۷۴).

۲-۱-۳- مشورت امام خمینی(ره) در دوره سوم رهبری (۵۷-۱۳۵۶)

دوره سوم رهبری امام(ره) زمانی آغاز شد که امام از پاریس انقلاب را رهبری می‌کردند. در این دوره، اولین جرقه‌های انقلاب در دی ماه ۱۳۵۶ در قم شعله‌ور شد(خادم شیرازی، ۱۳۷۱: ۶۵). در این برهه زمانی بود که انقلاب اسلامی با انتشار مقاله رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات و اعتراض مردم علیه آن شتاب گرفته و سرانجام در ۲۲ بهمن ۵۷ به پیروزی رسید. به شواهدی از مشورت امام(ره) در این دوره اشاره می‌شود.

یک. تدوین پیش نویس قانون اساسی: هنگامی که دکتر حسن حبیبی به دستور امام خمینی(ره) مشغول تهیه پیش نویس قانون اساسی می‌شود، امام خمینی(ره) از آیت الله سلطانی طباطبایی می‌خواهند دکتر حبیبی را در مواردی که مربوط به مسائل فقهی است، کمک نمایند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵۱۳). سپس ایشان پیش نویس تهیه شده را برای اظهار نظر مراجع ارسال فرموده و به نظر شورایی از علما می‌رسانند (مصطفوی، ۱۳۷۲) و در نهایت با توجه به جمع بندی نظرات علما، پیش نویس قانون اساسی تدوین می‌شود.

دو. تشکیل شورای انقلاب: امام خمینی(ره) پس از استقرار در نوفل لوشاتو، به منظور پیشبرد اهداف انقلاب از یاران مورد اعتماد خود خواستند که به پاریس آمده تا آنها را کم و بیش در جریان برنامه‌های خود قرار دهند. امام(ره) بیشتر به اظهاراتی عنایت داشتند که از جانب شهید بهشتی و شهید مطهری مطرح و یا تأیید می شده است (طباطبایی، ۱۳۸۸: ج ۳: ۱۱۳-۱۱۲). در این رایزنی‌ها و «گفتگوی مرحوم مطهری با امام خمینی(ره)، مقدمه تشکیل شورای انقلاب و دعوت از افراد مورد اطمینان» حاصل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۸: ج ۳: ۱۱۳).

آقای هاشمی در همین زمینه بیان می‌کنند که بحث تشکیل «شورای انقلاب» ابتدا در جمع افرادی که در انقلاب با هم همکاری داشتند، در ایران مطرح شد و از شهید مطهری که عازم پاریس بود، خواسته شد که این پیشنهاد را خدمت امام خمینی(ره) مطرح کنند (هاشمی، ۱۳۸۳: ۱۲۳-۱۲۲).

سه. بازگشت امام خمینی(ره) به ایران: در زمینه بازگشت امام خمینی(ره) به ایران، گرچه گفته شده که ایشان به تنهایی این تصمیم را اتخاذ نمودند، اما همانند مهاجرت به پاریس، این اقدام نیز با مرحوم حاج سید احمد آقا صورت گرفته است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵۳۵؛ طباطبایی ۱۳۸۸ ج ۱: ۳۶۷). در این باره، امام(ره) همچنین نظرات اطرافیان خود را نیز جویا می‌شوند؛ اما تصمیم نهایی را خود اتخاذ می‌نمایند (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۵: ۷۹؛ طباطبایی، ۱۳۸۸ ج ۳: ۲۰۲).

۲-۱-۴- مشورت امام خمینی(ره) در دوره چهارم رهبری (۶۸-۱۳۵۷)

حساس‌ترین دوره رهبری امام خمینی(ره) پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. ایشان طی یک سال، پایه‌های نظام اسلامی را با انجام انتخابات متعدد تحکیم نمودند (خادم شیرازی، ۱۳۷۱: ۶۵). همچنین، امام(ره) با تشکیل شوراهای مختلفی نظیر شورای انقلاب، مجلس شورای

اسلامی، شورای نگهبان، مجلس خبرگان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی دفاع، شورای عالی امنیت ملی، شورای شهر و روستا و... به نهادینه نمودن امر مشورت در این برهه زمانی پرداختند. افزون بر آن در بسیاری از تصمیم گیری‌ها به نظرات کارشناسان، مسؤولان و متخصصان به شرح نمونه‌های زیر توجه نشان می‌دادند.

۲-۱-۴-۱- مشورت در عزل و نصب مسؤولان

یک. مشورت در انتصاب مهندس بازرگان: دولت موقت، به نخست وزیری مهندس بازرگان، نخستین دولت انقلاب اسلامی بود که مشروعیت خویش را نه از قانون اساسی جمهوری اسلامی بلکه به شکل مستقیم از انقلاب و رهبری امام خمینی(ره) گرفته بود (درویشی سه تالانی، ۱۳۸۷: ۶۰). واقعیت این است که در نامه منسوب به امام خمینی(ره)، ایشان با صراحت مرقوم فرموده بودند که: «والله قسم، من با نخست وزیری بازرگان مخالف بودم، ولی او را هم آدم خوبی می‌دانستم... در تمام موارد، نظر دوستان را پذیرفتم» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۳۳۱).

به هر حال، دوستان امام(ره)، مهندس بازرگان را برای نخست وزیری موقت پیشنهاد کردند، اگرچه امام(ره) مخالف این انتخاب بودند، اما به دلیل احترام به نظر دوستان، این پیشنهاد را پذیرفتند (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۵: ۱۵۳-۱۵۲). این موضوع با صراحت بیشتری در خاطرات بازرگان و منابع دیگر نیز بیان شده است (بازرگان، ۱۳۶۲: ۳۸-۲۷؛ هاشمی، ۱۳۸۳: ۱۷۰-۱۶۸؛ طباطبایی، ۱۳۸۸ ج ۳: ۲۲۵). احترام به نظر کارشناسان و مشاوران امین، در اداره امور جامعه و پیشبرد نهضت، اصلی بوده که در موارد زیاد و پیاپی، در سیره عملی امام خمینی(ره) قابل مشاهده است (درویشی سه تالانی، ۱۳۸۷: ۶۲-۶۱). این نکته در حکم نخست وزیری مرحوم مهندس بازرگان هم به صراحت مورد اشاره قرار گرفته است: «بنابه پیشنهاد شورای انقلاب، ... جنابعالی را... مأمور تشکیل دولت موقت می‌نمایم» (صحیفه نور، ج ۶: ۵۵-۵۴).

دو. عزل بنی صدر: امام خمینی(ره) پس از شنیدن گزارش اقدامات بنی صدر، دیگر مسؤولان را دعوت به مشورت در این امر می‌نماید و عزل وی از فرماندهی کل قوا را اعلام می‌کنند (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۵: ۱۰۵). همچنین، امام خمینی(ره) از نمایندگان مجلس می‌خواهند زودتر در مورد بنی صدر تصمیم بگیرند و بعد از رأی اکثریت مجلس به عدم کفایت سیاسی او، امام خمینی(ره) نیز در پاسخ سریع به نامه مجلس، بنی صدر را از ریاست جمهوری عزل می‌نمایند (هاشمی، ۱۳۷۸: ۱۳۲ و ۱۴۵). در پاسخ امام خمینی(ره)

توجه ایشان به رأی اکثریت مجلس در اخذ این تصمیم، تأکید شده است: «پس از رأی اکثریت قاطع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی...، ایشان را از ریاست جمهوری اسلامی ایران عزل نمودم» (صحیفه نور، ج ۱۴: ۴۸۰). در انتخاب وی نیز نظر دوستان را پذیرفته بودند (صحیفه نور، ج ۲۱: ۳۳۱).

سه. انتخاب قائم مقام رهبری: درباره چگونگی انتخاب آیت الله منتظری به قائم مقامی رهبری و موافقت امام خمینی(ره)، از آقای هاشمی رفسنجانی این گونه نقل شده است که «قائم مقامی آقای منتظری را ما برنامه ریزی کرده بودیم. بیماری امام خمینی(ره) واقعاً جدی بود و ما نگران بودیم، قلب ایشان تحت نظر بود، درگیر جنگ هم بودیم. نمی شد کشور را بدون پیش بینی رها کنیم تا حادثه‌هایی اتفاق بیفتند. خداوند امام را حفظ کردند. ما مسأله قائم مقام رهبری را ضروری می‌دانستیم و ایشان را قانع کردیم. امام در جایی گفتند که: «من مایل نبودم». ایشان صحیح می‌فرمایند. واقعاً مایل نبودند. ما ایشان را قانع کردیم که بدون قائم مقامی نمی‌شود. به غیر از آقای منتظری هم کسی به فکر ما نمی‌رسید» (اهوازی، ۱۳۸۵: ۱۴۱-۱۴۰).

چهار. عزل قائم مقام رهبری: عزل قائم مقامی آیت الله منتظری یکی دیگر از تصمیمات مهم و سرنوشت ساز امام خمینی(ره) است. احترام و التزام امام خمینی(ره) به نظرات مشاوران، در روند این تصمیم‌گیری نیز مشاهده می‌شود. در این باره آمده است که «احمد آقا پیام امام خمینی(ره) را درباره مشورت عزل آقای منتظری و اصلاح قانون اساسی در جلسه سران قوا آورد. قبلاً امام خمینی(ره) به سران قوا اطلاع داده بودند که بنا دارند آیت الله منتظری را از جانشینی رهبری خلع کنند و درباره اینکه چگونه انجام شود، مشورت کرده بودند و خودشان راهکارهای... را مطرح کردند» (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۴). امام خمینی(ره) در نامه‌ای که ذکر آن رفت، نظر خود را درباره برخی تصمیمات مبتنی بر پذیرش نظر مشاوران این گونه بیان می‌دارند: «والله قسم، من از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودم، ولی در آنوقت شما را ساده لوح می‌دانستم که مدیر و مدبر نبودید، ولی شخصی بودید تحصیل کرده که مفید برای حوزه‌های علمیه بودید... در تمام موارد نظر دوستان را پذیرفتم» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۳۳۱).

پنج. انتخاب اعضای شورای نگهبان، رؤسای قوه قضاییه و دیوان عالی کشور: انتخاب اعضای شورای نگهبان یکی از وظایف رهبری است. امام خمینی(ره) در انتخاب اعضای آن با

مشاوران و مسؤولان مشورت می‌کردند و بر اساس نتایج مشورت، احکام آنها را صادر می‌نمودند (هاشمی، ۱۳۸۱: ۱۶۱-۱۶۰). دربارهٔ انتخاب آقای موسوی اردبیلی به ریاست قوه قضاییه، با وجود تشخیص و تصمیم خود، به منظور نهادینه کردن امر مشورت جویای نظر مشورتی سایر قضات دیوان عالی کشور شدند (صحیفهٔ نور، ج ۱۴: ۵۱۷-۵۱۶). همچنین، امام خمینی(ره) در ارتباط با انتصاب مجدد رئیس دیوانعالی کشور از قضات دیوان عالی کشور نظر خواهی کردند (صحیفهٔ نور، ج ۲۰: ۶۴).

۲-۱-۴-۲- مشورت در مسائل داخلی

یک وضعیت حقوق دریافتی نمایندگان اقلیت‌های مذهبی در مجلس: امام خمینی(ره) در دورهٔ شکل‌گیری انقلاب، خصوصاً بعد از تصویب قانون کاپیتولاسیون در مجلس زمان شاه، اعلام می‌نماید که نمایندگان مجلس آن زمان باید حقوق نمایندگی خود را برگردانند. یکی از اطرافیان، به این دلیل که دستور مذهبی اقلیت‌های مذهبی در این باره متفاوت بوده است، درخواست معافیت اقلیت‌ها را از بازگرداندن حقوق می‌کند که با موافقت امام خمینی(ره) مواجه می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۲۷۸).

دو. بحران کردستان: امام خمینی(ره) پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در حل بحران‌های مختلف، علاوه بر توجه به نظرات مشورتی، در واگذاری مسؤولیت‌ها نیز از نظرات افراد با تجربه و مطلع استفاده می‌نمودند. بحران کردستان یکی از این موارد است. امام خمینی(ره) برای حل و فصل این ماجرا به مشورت با مسؤولان وقت پرداخته و هیأتی را جهت رسیدگی به اوضاع و صحبت با مردم این منطقه مأمور می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۲۸۳). در حکمی نیز که بعدها به آقای کرمانی برای رسیدگی به امور کردستان می‌دهند، به مشورت با روحانیون محل و آگاه سفارش می‌نماید (صحیفهٔ نور، ج ۹: ۳۵۵).

سه. تشکیل حزب جمهوری اسلامی: هرچند حزب جمهوری اسلامی در ۲۹ بهمن ۵۷ اعلام موجودیت کرد، اما اساس و طرح تشکیل آن به سال‌ها پیش از انقلاب باز می‌گردد (مومیوند، ۱۳۹۰: ۱۲۶). شهید بهشتی در یکی از سخنرانی‌هایش دربارهٔ زمینه‌های تشکیل حزب جمهوری می‌گوید: «ما قبل از پیروزی انقلاب... تلاش کردیم که این حزب به وجود بیاید، ولی شتاب انقلاب وقت ما را گرفت و نشد» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۳۵). یکی دیگر از دلایل به تعویق افتادن اعلام موجودیت حزب جمهوری را می‌توان نارضایتی امام خمینی(ره) از تشکیل حزب

بود (مومیوند، ۱۳۹۰: ۱۲۶). هاشمی رفسنجانی درباره فرآیند موافقت امام خمینی(ره) با تشکیل حزب جمهوری اسلامی می‌گوید: «زمانی که امام خمینی(ره) در نجف و پاریس بودند، پیشنهاد تحزب را به ایشان دادیم و امام خمینی(ره) مخالفت کردند... به هر حال، وقتی به ایران آمدند و بعد از تشکیل دولت موقت، من خدمت ایشان رفتم، بحث تحزب را با ایشان شروع کردم... ایشان کمی فکر کردند و قبول کردند» (رحمانی، ۱۳۸۲: ۲۶-۲۵).

سه. مجمع تشخیص مصلحت نظام: از ابتکارات و نوآوری‌های امام خمینی(ره) تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام است. در این مورد، علاوه بر توجه به اصل شور و مشورت، مصلحت نظام که در سایه اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) در باب مشورت مطرح شده، مورد توجه قرار گرفته است. در این باره، هاشمی رفسنجانی اظهار می‌کند: «اختلافات حل نشده بین نظرات مجلس و شورای نگهبان، باعث معوق ماندن بسیاری از مصوبات مجلس و مایه دلسردی نمایندگان و کارشناسان بود. بالاخره امام خمینی(ره) با تیز بینی و آینده‌نگری مخصوص خودشان، این معضل را با تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام که حقیقتاً جای آن در ساختار نظام خالی بود، حل کردند» (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۰).

امام خمینی(ره) در این زمینه مشورت‌هایی با سران قوا داشته‌اند (هاشمی، ۱۳۸۹: ۴۶۷). ایشان در پاسخ به نامه مسؤولان نظام در خصوص تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام به چند نکته اشاره دارند: تشکیل جلسه این مجمع در صورت عدم توافق مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، اعضای تشکیل دهنده، دعوت از کارشناسان دیگر و مشورت‌های لازم، توجه به رأی اکثریت و مصلحت نظام و حضور نماینده‌ای از طرف ایشان جهت دریافت سریع گزارشات (صحیفه نور، ج ۲۰: ۴۶۴).

۲-۱-۴- مشورت در سیاست خارجی

یک. مشورت در اتخاذ شعار مرگ بر شوروی: امام خمینی(ره) در اعمال جزئی‌ترین اقدامات راجع به سیاست خارجی، با توجه به وظایف و اختیارات مسؤولان از آنان نظرخواهی می‌نمودند. رویکرد امام در رابطه با اتخاذ شعار مرگ بر شوری جالب است: «اواخر جنگ بود و هیأتی از شوروی سابق به ایران آمده بودند. از ستاد نماز جمعه زنگ زدند و سؤال کردند که آیا ما در نماز جمعه شعار «مرگ بر شوروی» سر بدهیم یا نه؟ امام خمینی(ره) پاسخ دادند: «بگویند؛ اما کم‌تر

بگویند». اما بلافاصله می‌فرمایند: «بروند از آقای خامنه‌ای و آقای هاشمی بپرسند که چه کار کنند» (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۸: ۳۸).

دو. مشورت در پذیرش قطعنامه ۵۹۸: امام خمینی(ره) در نامه‌ای که خطاب به خبرنگاران و مسؤولان درجه اول نظام نوشتند، یکی از دلایل اصلی پذیرش قطعنامه و بازگشت از نقطه نظرات قبلی خویش را، گزارشات فرماندهان نظامی از اوضاع جبهه‌ها و نیازمندی‌های تسلیحاتی غیر قابل امکان تهیه آنها برای ادامه جنگ و نیز گزارشات وزرای اقتصادی و کشور از وضعیت بودجه و ذخایر مالی، و همچنین بیان شرایط سیاسی داخلی و بین‌المللی از سوی مسؤولین سیاسی کشور ذکر می‌کنند (درویشی سه تالانی، ۱۳۸۷: ۴۱۸-۴۱۷؛ هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۷). البته، صرف نظر کردن از مواضع قبلی و پذیرش نظرات مشورتی کارشناسان، هرگز به معنای شانه خالی کردن امام خمینی(ره) از زیر بار مسؤولیت نبود(صحیفه نور، ج ۲۱: ۹۲).

سه. ارسال نامه تاریخی به گورباچف: امام خمینی(ره) در زمینه فرستادن نامه به گورباچف رییس جمهور شوروی سابق و همچنین درباره محتوای آن با مشاوران و سران سه قوه مشورت نمودند. هرچند اصل تصمیم فرستادن نامه با خود ایشان بود. امام خمینی(ره) در جلسه سران می‌گویند بنا دارند نامه‌ای به گورباچف [صدر هیأت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی] بنویسند. لذا احمد آقا متن پیش نویس نامه امام خمینی(ره) را برای مشورت در جلسه سران قوا مطرح می‌کنند (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۲ و ۴۲۴ و ۴۴۱).

۲-۲- سیره مشورتی امام خمینی(ره) در امور نظامی

به نقل از محسن رضایی، امام خمینی(ره) جلسات نظامی را مرتب تشکیل می‌دادند. در جلسه‌های شورای عالی دفاع، نظرهای مختلفی به امام خمینی(ره) داده می‌شد که ایشان هم با قاطعیت، رهنمودهایی را ارائه داده یا دستورهایی را ابلاغ می‌کردند. با این حال، مبنای کار امام خمینی(ره) بر این بود که فرماندهان خود تصمیم بگیرند. امام(ره) فقط در شرایطی که مسائل بسیار حساسی به میان می‌آمد و یا این که فرماندهان نیاز به روحیه گرفتن داشتند، دخالت می‌کردند. دخالت اصلی امام خمینی(ره) در جنگ، عمدتاً یک دخالت استراتژیک بوده، در مصادیق آن دخالتی نمی‌کردند. اگر چه از آنها کاملاً اطلاع داشتند(ستوده، ۱۳۸۶. ج ۴: ۱۳۶-۱۳۴).

۲-۱- مشورت در تشکیل نهادها و سازمان‌های نظامی

یک. تشکیل شورای عالی دفاع: بنا بر [بند سه از اصل یکصد و دهم] قانون اساسی [پیش از بازنگری] تشکیل شورای عالی دفاع ملی، با حضور رئیس جمهور، نخست وزیر، وزیر دفاع، رئیس ستاد مشترک، فرمانده کل سپاه و دو مشاور به تعیین رهبر، از جمله وظایف و اختیارات رهبری بود. امام اصرار داشتند همه نهادهای قانونی هر چه سریع‌تر شکل اجرایی گرفته و به وظایفشان عمل کنند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۴۹). به همین دلیل... در احکام جداگانه‌ای حضرت آیت الله خامنه‌ای و شهید دکتر مصطفی چمران را به عنوان مشاوران خود در شورای عالی دفاع منصوب کردند و از آنها خواستند که با توجه به وضع استثنایی کشور، «با کمال دقت و بررسی کامل گزارش جامع و دقیق در هر هفته از رویدادهای داخلی در ادارات مختلف ارتش برای اینجانب ارسال دارید» (صحیفه نور، ج ۱۲: ۲۸۱ و ۲۸۲).

دو. تشکیل نیروهای سه گانه در سپاه: به علت وضع خاصی که در سپاه پدید می‌آید، محسن رضایی در نامه‌ای از امام خمینی(ره) ایجاد سه سپاه هوایی، دریایی و زمینی را درخواست می‌کند. ایشان نیز تشکیل نیروهای سه گانه را به جای سپاه طی حکمی صادر می‌نمایند. ایشان قبل از صدور این حکم، احمدآقا را مأمور کردند با شورای نگهبان در خصوص این حکم صحبت کند و نظر آقایان را در خصوص تطبیق این حکم با قانون اساسی جویا شود... پس از آن، فرمان مذکور را صادر فرمودند(ستوده، ۱۳۸۶. ج ۴: ۱۴۵-۱۴۴). در همین باره، امام(ره) از طریق مرحوم احمد آقا درباره عباراتی که زیر درخواست فرمانده سپاه بنویسند، تلفنی مشورت می‌کنند(هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

سه. در عملیات‌ها و اقدامات نظامی: محسن رضایی در این زمینه در خاطرات خود اذعان می‌دارد که با آغاز هر عملیاتی، امام خمینی(ره)، از همان مراحل نخستین، در جریان کار قرار می‌گرفتند. ایشان می‌دانستند که در هر لحظه چه کاری انجام خواهد شد. چه یگان‌هایی عمل خواهند کرد، چه نیروهایی وارد عمل خواهند شد و فرماندهی بر عهده چه کسی خواهد بود. در اواخر جنگ، این شیوه ارتباط بسیار پیشرفته تر شده بود. چنان که نقشه‌ها با کد و رمز برای امام خمینی(ره) فرستاده می‌شد و در حین عملیات یا پیش از آن، با تلفن کار برای ایشان تشریح می‌شد. امام خمینی(ره) روی نقشه نگاه کرده و نقطه مورد نظر را پیدا می‌کردند، چنانچه لازم بود، دستورهای لازم را ابلاغ می‌نمودند(ستوده، ۱۳۸۶. ج ۴: ۱۴۱-۱۴۰). همچنین، موارد متعددی

از مشاوره‌های امام خمینی(ره) در امور نظامی در خاطرات دیگران ملاحظه می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۷: ۱۶۴ و ۱۶۶).

الف. ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر: بعد از فتح خرمشهر، نظر امام خمینی(ره) بر خاتمه جنگ و نظر مسوولان بر ادامه جنگ بود؛ امام با ادامه جنگ موافق نبوده و فتح خرمشهر را بهترین موقع برای پایان جنگ می‌دانستند. در نهایت، از آن جا که سیره عملی ایشان در اداره امور التزام به نظر کارشناسان بود، نظر آنان را قبول می‌نمایند (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۵: ۱۲۵).

ب. مشورت در عملیات فتح المبین: محسن رضایی در خاطرات خود ضمن بیان چگونگی و پیروزی رزمندگان در عملیات فتح المبین، در حالی که فرماندهان با توجه به شرایط و امکانات در اقدام به عملیات دچار تردید و دو دلی شده بودند؛ به نقش بارز مشاوره با امام خمینی(ره) و تأثیر قاطعیت تصمیم‌گیری ایشان در پیشبرد موفقیت آمیز عملیات اشاره می‌نمایند (ستوده، ۱۳۸۶: ج ۴: ۱۳۹-۱۳۸).

ج. اجازه ورود به خاک عراق: یکی از مسائل مورد بحث راجع به ادامه جنگ، ورود رزمندگان اسلام به خاک عراق بود. امام خمینی(ره) در جلسات مشورتی نظر کارشناسان و مشاوران را مورد توجه قرار می‌دهند. در جلسات شورای عالی دفاع، نظامیان در خصوص چگونگی ادامه جنگ، شیوه صحیح را تعقیب ارتش بعثی در خاک عراق می‌دانستند. اما امام خمینی(ره) در این خصوص ملاحظاتی داشته‌اند. در نهایت، در جلسه‌ای با حضور اعضای شورای دفاع و فرماندهان اصلی جبهه‌ها، ایشان منطق نظامی‌ها را با تعیین شرایطی می‌پذیرند (هاشمی، ۱۳۸۰: ۱۶ و ۱۷).

چهار. انتخاب جانشین فرمانده کل قوا: امام خمینی(ره) علاوه بر این که در انتخاب فرماندهان نظامی با مشاوران خود مشورت می‌کردند؛ در انتخاب جانشین فرمانده کل قوا نیز از همین رویه پیروی نمودند. متن حکم جانشینی فرماندهی کل قوا اشاره به این امر دارد: «جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی - به پیشنهاد رئیس جمهور محترم، جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای - جنابعالی را با تمام اختیارات به جانشینی فرماندهی کل قوا منصوب می‌نمایم» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۵۶).

۲-۲-۳- مشورت امام خمینی در سایر امور

با توجه به خاطرات نزدیکان امام خمینی(ره)، موارد متعددی از توجه ایشان به نظرات کارشناسان در امور مختلف را می‌توان دریافت.

۲-۲-۳-۱- مشورت امام در امور اقتصادی

امام خمینی(ره) جهت فروش ارز وجوه شرعیه مقلدان خارج از کشور به صورت آزاد، به نظر خواهی استعلام نظر از نخست وزیر وقت پرداخته و در صورت عدم اشکال از نظر دولت آن را مجاز می‌دانند (ستوده، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۳۹).

۲-۲-۳-۲- مشورت امام در امور اجتماعی

در پی پخش برنامه رادیویی که در آن شائبه توهین به حضرت زهرا(س) وجود داشت، امام خمینی(ره) دستور اخراج دست اندرکاران برنامه و در صورت اثبات قصد توهین فرد خاطی، حکم اعدام صادر می‌کنند. رئیس دیوان عالی کشور طی نامه‌ای به ایشان ضمن بیان بررسی موضوع و دلایل وجود سهل انگاری و عدم قصد توهین، تقاضای عفو برای آنان می‌کند و ایشان نیز موافقت می‌فرمایند (هاشمی، ۱۳۹۰: ۴۹۷).

نتیجه

همان گونه که بیان شد، مسأله شور، مشورت و مشاوره در اسلام از اهمیت بسیاری برخوردار است. به تاسی از آموزه‌ها و تعالیم اسلامی مشورت در اندیشه و سیره امام خمینی(ره) هم از جایگاه رفیعی برخوردار است. در این باره، ابتدا به مؤلفه‌های اساسی مشورت در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) اشاره شد. امام خمینی(ره) نه تنها در سخنان و توصیه‌های خود، لزوم توجه به امر مشورت را متذکر می‌شدند، بلکه در سیره عملی خود نیز به این امر اهتمام داشته‌اند.

بر این اساس و در چارچوب اندیشه سیاسی امام(ره)، سیره عملی ایشان راجع به مشورت در چهار دوره زمانی و در پاسخ به سؤالات مطروحه مورد بررسی قرار گرفت. در این باره، به مصادیقی از مشورت‌ها از جمله بازگشت امام خمینی(ره) به ایران، عزل بنی صدر، تصمیم به عزل قائم مقام رهبری و ... اشاره و این نتیجه حاصل شد که امام خمینی(ره) برای تصمیم‌گیری در امور مختلف از نظرات افراد صاحب نظر، کارشناسان، متخصصان و مشاوران استفاده می‌کردند.

درباره شیوه مشورتی ایشان باید در نظر داشت که امام خمینی(ره) هنگام مشورت با دقت کامل به سخنان و نظرات دیگران توجه نموده، سپس اقدام به اخذ تصمیم می نمودند. گاه ممکن بود تصمیم اخذ شده با نظرات کارشناسان و مشاوران مغایرت داشته باشد. ایشان نتیجه جلسات مشورتی سران سه قوه را که توسط سید احمد آقا دریافت می کردند، بررسی نموده و سپس تصمیم نهایی را خود اتخاذ می کردند. این رویه ایشان مصداق آیه «وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» است.

امام خمینی(ره) مشورت را به معنای سپردن تمامی امور خود به دیگران نمی دانستند. همان گونه که بیان شد، در تصمیم گیری های در سطح کلان پس از استماع نظرات، شخصاً به اخذ تصمیم مبادرت نموده و مسؤولیت تمامی امور را به عهده می گرفتند. گاهی نیز بنا به شرایط و با توجه به شرایط و موقعیت امر، تصمیم گیری درباره مسائل جزئی را به مشاوران خود واگذار می نمودند.

با بررسی شواهدی از مشورت امام خمینی(ره) می توان دریافت که ایشان مشورت را در دو قالب ساختار (نهادهای) و کارگزار (افراد) نهادینه نموده اند. در شکل ساختاری آن می توان به تشکیل شوراهای گوناگون به ویژه مجمع تشخیص مصلحت نظام اشاره نمود. اما در بحث فردی مشورت می توان توجه ایشان به رأی و نظر صاحب نظران را در تصمیم گیری های گوناگون در شواهد مذکور را مورد اشاره قرار داد. امام خمینی(ره) با تأکید خود بر مشورت در اندیشه و سیره عملی به پیروی از حضرت رسول(ص) و ائمه اطهار(ع) الگویی بی بدیلی برای شیوه تصمیم گیری موثر، مفید و جامع برای مسؤولان و رشد و تعالی جامعه اسلامی ارائه کرده است.

منابع

- قرآن. ترجمه الهی قمشه ای، تهران: انتشارات اسوه، بی تا.
- نهج البلاغه. (۱۳۷۹). ترجمه سید جعفر شهیدی. تهران. انتشارات علمی و فرهنگی.
- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۶). «شخصیت و شیوه رهبری امام خمینی(ره) و کرامت انسانی». فصلنامه حضور. (۶۲).
- آشوری لنگرودی، حسن. (زمستان ۱۳۷۸). «امام خمینی(ره) و حفظ مصالح نظام». حوزه (۴).
- اهوازی، عبدالرزاق. (۱۳۸۵). امام خمینی(ره) به روایت آیت الله هاشمی رفسنجانی. تهران: عروج.
- ایزد پناه، عباس. (۱۳۷۵). «اصول و شیوه های تحقیق در آثار و اندیشه های امام خمینی(ره)». فصلنامه حضور. (۱۲).
- جمشیدی، محمد حسین. (۱۳۷۹). «ویژگی های حکومت مطلوب از منظر امام خمینی(ره)». پژوهشنامه متین. (۹).
- جهان بزرگی، احمد. (۱۳۸۱). اندیشه سیاسی امام خمینی(ره). مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- حجت زاده، عبدالحسین. (۱۳۸۳). «دموکراسی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)». پژوهشنامه متین. (۲۳ و ۲۴)
- حسینی، محمد حسن. (۱۳۷۵). «نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی(ره)». فصلنامه حضور. (۱۲)
- حسینی بهشتی، سید محمد. (۱۳۹۰). حزب جمهوری اسلامی (گفتارها، گفت گوها، نوشتارها). تهران: روزنه (در دست انتشار).
- خادم شیرازی، انسیه. (۱۳۷۲). «نگاهی به زندگی سیاسی امام خمینی(ره)» در مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی سیره عملی و نظری امام خمینی(ره). تهران: انتشارات جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران.
- خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۷۸). «جایگاه مصلحت در حکومت ولایی». در کنگره امام خمینی(ره) و اندیشه حکومت اسلامی. مجموعه آثار ۷. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خلیلی، محسن. (۱۳۷۸). «بهره وری از اختیارات مطلقه ولی فقیه و سیره عملی امام خمینی(ره) در تغییرات فرا دستوری قانون اساسی». حوزه (۴).
- خمینی، روح الله. صحیفه نور. جلدهای ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱. تهران: عروج.
- درویشی سه تالانی، فرهاد. (۱۳۸۵). سیره عملی امام خمینی(ره) در اداره امور کشور (۱۳۶۸-۱۳۵۷). تهران: عروج.

- ذاکری، علی اکبر. (۱۳۸۷). اخلاق مسئولان امام خمینی(ره) و مفاهیم اخلاقی. تهران: عروج.
- رجبی، محمد حسن. (۱۳۷۸). زندگینامه سیاسی امام خمینی(ره) از آغاز تا تبعید. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رحمانی، قدرت الله. (۱۳۸۲). بی پرده با هاشمی رفسنجانی (کارنامه ربع قرن عملکرد جمهوری اسلامی در گفت و گو با کیهان). تهران: کیهان.
- روحانی، سید حمید. (۱۳۵۸). بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی(ره) در ایران. ج ۱. بی جا: دارالفکر.
- سامانی، سید محمود. (۱۳۸۷). مشورت و مشاوران در سنت و سیره پیشوایان. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سبحانی، جعفر. (بی تا). فروغ ابدیت. ج ۲. بی جا: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ستوده، امیر رضا. (۱۳۸۶). پا به پای آفتاب گفته ها و ناگفته هایی از زندگی امام خمینی(ره). ج ۴. تهران: پنجره.
- _____ . (۱۳۸۶). پا به پای آفتاب گفته ها و ناگفته هایی از زندگی امام خمینی(ره). ج ۵. تهران: پنجره.
- شعرباف، رضا. (۱۳۶۶). سرگذشت های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی(ره) به روایت: جمعی از فضلاء. ج ۵. بی جا: پیام آزادی.
- طباطبایی، محمد حسین. بی تا. تفسیر المیزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. ج ۱۸، ۴ و ۱۷. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، صادق. (۱۳۸۸). خاطرات سیاسی - اجتماعی دکتر صادق طباطبایی. ج ۱. تهران: عروج.
- طباطبایی، فاطمه. (۱۳۹۰). اقلیم خاطرات. تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۶۷). مجمع البحرين. ج ۲. (بی جا). دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عظیمی زاده، احمد. (۱۳۸۲). «بررسی مقایسه ای مدیریت مشارکتی از منظر فرهنگ اسلامی و فرهنگ غرب». پایان نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه عالی آموزش و پژوهش سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۵). «امام (ره) هیچ وقت بدون مشورت کاری نکردند». [مصاحبه با آیت الله عمید زنجانی درباره مدیریت سیاسی امام خمینی (ره) در جنگ]. فرهنگ پایداری. (۷). صص ۲۷-۱۲.
- فخار طوسی، جواد. (۱۳۷۸). «جایگاه مصلحت در اندیشه امام خمینی(ره)». فصلنامه حضور. (۳۰). زمستان. صص ۲۸۶-۲۴۴.

فضل الله، سید محمدحسین. (۱۳۷۸). «تأملاتی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)». ترجمه مجید مرادی. در کنگره امام خمینی(ره) و اندیشه حکومت اسلامی. مجموعه آثار ۵. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

قربانزاده، قربانعلی. (۱۳۸۱). مبانی مصلحت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره). تهران: پژوهشکده امام خمینی(ره).

کتاب های مجله حوزه. (۱۳۷۸). حکومت اسلامی در کوثر زلال اندیشه امام خمینی (ره). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

مؤسسه فرهنگی قدر ولایت. شعاعی از خورشید: خاطرات حاج عیسی از حضرت امام خمینی (ره). تهران: ۱۳۸۸.

مبلغی، احمد. (۱۳۷۸). «نقش مشورت و مشارکت در فرایند تصمیم سازی با نگاهی تاریخی و تطبیقی». در کنگره امام خمینی(ره) و اندیشه حکومت اسلامی. مجموعه آثار ۷: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بی جا: مؤسسه التاریخ العربی.

مروی، ابوالفضل. (۱۳۸۶). «اصلاحات از دیدگاه امام خمینی (ره)». فصلنامه حضور. (۶۳)، مصطفوی، زهرا. (۱۳۷۲). «ضرورت شناخت اصول دیدگاه‌های حضرت امام خمینی(ره)». سخنرانی در سومین سمینار بررسی سیره نظری و عملی امام خمینی(ره). خرداد ۱۳۷۱.

مفید، محمدبن نعمان. (بی تا). الارشاد: جلاءالعیون. ج ۲. تهران: انتشارات علمیه اسلامیه.

مهریزی، مهدی. (۱۳۸۵). اندیشه اجتماعی امام خمینی(ره). تهران: عروج.

موسوی الخمینی، روح الله. (۱۳۷۵). ولایت فقیه. تهران: امیرکبیر.

مومیوند، بیژن. (۱۳۹۰). «مروری بر روند شکل گیری و تعطیلی حزب جمهوری اسلامی: حزب دوران گذار». ماهنامه مهرنامه. (۱۳)، تیرماه. صص ۱۲۸-۱۲۶.

هدایتی، ابوالفضل. (۱۳۸۱). «وفاق در نگاه رهبر فقید انقلاب». فصلنامه حضور. (۴۲)، پاییز. صص ۶۶-۳۸.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). (۱۳۷۵). دلیل آفتاب: خاطرات یادگار امام خمینی(ره). تهران: هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۳). انقلاب و پیروزی: کارنامه و خاطرات اکبر هاشمی رفسنجانی سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸. به اهتمام عباس بشیری. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.

- (بی نا)، (۱۳۸۴). انقلاب در بحران: کارنامه و خاطرات اکبر هاشمی رفسنجانی سال‌های ۱۳۵۹. به اهتمام عباس بشیری. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- (بی نا)، (۱۳۷۸). عبور از بحران: کارنامه و خاطرات اکبر هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۰. به اهتمام یاسر هاشمی. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- (بی نا)، (۱۳۸۰). پس از بحران: کارنامه و خاطرات اکبر هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۱. به اهتمام فاطمه هاشمی. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- (بی نا)، (۱۳۸۱). آرامش و چالش: کارنامه و خاطرات اکبر هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۲. به اهتمام مهدی هاشمی. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- (بی نا)، (۱۳۸۶). به سوی سرنوشت: کارنامه و خاطرات اکبر هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۳. به اهتمام محسن هاشمی. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- (بی نا)، (۱۳۸۸). اوج دفاع: کارنامه و خاطرات اکبر هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۵. به اهتمام عماد هاشمی. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- (بی نا)، (۱۳۸۹). دفاع و سیاست: کارنامه و خاطرات اکبر هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۶. به اهتمام علیرضا هاشمی. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- (بی نا)، (۱۳۹۰). پایان دفاع آغاز سازندگی: کارنامه و خاطرات اکبر هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۷. به اهتمام علیرضا هاشمی. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.